



دانشگاه علم پزشکی
و خدمات بهداشتی ملایر



معاونت آموزشی
مرکز مطالعات و توسعه
آموزش پزشکی

تلفن: ۰۳۴۱-۲۱۱۸۰۶۲

فاکس: ۰۳۴۱-۲۱۱۳۰۰۵

E-mail:
medc@kmu.ac.ir

Website:
http://medc.kmu.ac.ir

شماره: ۳



وقتی جوانی ۱۴ ساله بودم، پدرم مرا به گردش تابستانی داخل کشور برد. تا آنجا که یاد دارم، دربین راه در آیووا برای دیدار آشنایان پدرم که در خانه روستایی قدیمی بزرگی واقع در دشت پهناور مزرعه گندم، زندگی می کردند، توقف کردیم. چون هرگز چنین خانه ای ندیده بودم، صاحب خانه مرا برای دیدن قسمت های مختلف خانه دعوت کرد. عکس های رنگی پدربزرگ، مادربزرگ و خوشایندیهای دیرینه ای که وجود داشت، لحاف های دست دوز و اثاثیه خیلی قدیمی، نظر مرا جلب کرد. صاحب خانه پرسید آیا دوست داری سرباه را ببینی؟ من که تا آن زمان چیزی از سرباه نشنیده بودم تا چه رسد به اینکه دیده باشم، پاسخی که کنجکاوی مرا می رساند دادم. همین که از پله های چوبی پایین رفتیم، بوی رطوبت یمنی ام را نوازش داد و نیاز بود چشمانم با تاریکی تطابق یابد. بزودی توانستم سطح زمین عریبان و خاکی را تشخیص دهم و همچنین دیواره های سنگی بی سرباه که به صورت طبقاتی برای برای نگهداری ظروف شیشه ای موادی که در خانه پر کرده بودند، را بینم. پنجره کوچک بالای سرباه که همسطح زمین بود، بر تئوی از نور خورشید را به تاریکی زیرزمین وارد می کرد. در سمت چپ و پشت انبار زمستانی، یک سیب زمینی تنها تلاش می کرد که ریشه بلند سفیدش را که در دورترین نقطه نوک آن فقط یک برگ سبز رنگ بریده داشت، به سمت این برتوی خورشید بکشاند. من که در سن تاثیر پذیری بودم از تلاش این جوانه کوچک برای دست یابی به توان بالقوه زندگی "این که اومی تواند بهترین سیب زمینی شود و بقای خود را حفظ کند" در شگفت شدم. چگونه ممکن بود که حتی در این محیط کم قوت و بی برکت این سیب زمینی حقیر، توانسته باشد با شوق زیاد، نیروی حیات را در درون خودش بیابد و سرنوشت خویش را بسازد. از آن روز به بعد اعتقاد پیدا کردم که تمام موجودات اعم از گیاه و جانور برای به کارگیری توان بالقوه خود، جاذبه های حیاتی، فطری و درونی دارند. این عقیده مرا راهنمایی کرد که به عنوان یک معلم، دانش آموزان، معلمان و سایر افراد را در یافتن این توانایی ها و منابع درونی کمک کنم. من متقاعد شده ام که در وجود انسان، یک نیروی حیاتی با عنوان خود راهبری "self-directing" وجود دارد که او را به سوی خودگردانی "self-managing"، خود بالایی "self-monitoring" و خود اصلاحی "self-modifying" می کشد.

بر این اساس مفهوم خود راهبری برای دانشجو و مصداق آن عبارتند از:

۱. می گوشت که خود بیابد نه این که منتظر باشد که استاد بگوید. به عبارتی به صورت فعال به دنبال یادگیری است نه به صورت ظرفی خالی و نهی از اثری که هر چه بخواهند در آن بریزند.
۲. پرسشگر و متفکر است. می خواند که بلداند. می پرسد که بفهمد و تفکر می کند که دریابد و این جنبش، برای یادگیری عمیق تر است نه برای نمره گرفتن.
۳. انتقادگر است و سعی در بازخوانی یافته های دیگران از دریچه ذهنی خود دارد. هرگز حاضر نیست که ذهن خود را به مخزن یافته های دیگران تبدیل نماید و به حفظ نمودن صرف بپردازد.
۴. خود، راه خود را در وادی علم آموزی می گشاید و از مشورت دیگران تنها برای بهتر تصمیم گرفتن، کمک می گیرد. به عبارتی به راحتی و سادگی سایر دانشجویان هر کلامی را نمی پذیرد و خود مایل به تجربه کردن است. همین موضوع باعث می گردد که هدایت چنین دانشجویی دشوارتر باشد و لذا خطر انحراف و یا سرخوردگی به دلیل اشتباه کردن های مکرر در این دانشجویان بسیار بیشتر است.
۵. نوآوری و ایده بدیع دارد. به عبارتی به معنای واقعی، پویایی و بالندگی در هر نظر تحلیلی نهفته است.

با توجه به این توضیحات، وظیفه معلم و استاد در قبال این چنین ذهن هایی چیست؟ اگر ایده آل به موضوع نگاه کنیم وظیفه استاد، ایجاد چنین تفکر و توانمندی در تک تک دانشجویان است. استاد باید بکوشد تا دانشجویی را تربیت نماید که در هنگام فارغ التحصیلی، چنین مشخصاتی را داشته باشد. ولی اگر واقع بینانه نگاه کنیم، در محیط فعلی دانشگاه، شاید به راحتی، امکان تربیت همه دانشجویان با چنین منشی وجود نداشته باشد اما حداقل کاری که می توان انجام داد این است که آذهان پویا و توانمند دانشجویان را سرکوب نکنیم و بدینهم که سرکشی برخی دانشجویان، سؤال نمودن مکرر آنها و تفکر انتقادی شان نه تنها از سر لجبازی نیست که ممکن است به دلیل قلیان واقعی فکری و پویایی عمیق ذهنی آنها باشد.